در فتاوی قاضی خان آورده
بلکه در وی مجامعت کردند
نقد مسعود را انگشت چنان
زیر رس خویشتن آویز
او ربع قبت ارسلان غاز
باده رفت خواجه آن د
شب جمعه رفت هر گز جواب
گفت تنزیل حضرت وهاب
بردش تا بخانه دیگر
ام [illegible] زم برادر عم او را
فقرا که ملتقین باشند
گر بود مصحف بنا [illegible] شتر
نه بهم بر [illegible] هار [illegible]
غیر ظاهر نظر کند بحلاوم
علما انجنین بیان کرده
بکتاب حدیث فقه که هست
بخلاف دو باره کو بدان
بلکه اینی امام تقوی صفت
خبر بکوه گفت بنقصان
کتب فقه بکم نباشد پاک
شرح ساز وقایه ذکر بکرد

خانه را که مصحف دارد
چونکه این خانه مسلمانان
کاندر آن خانه خواهم نتوان

حکایت

شد بروی با شکار روزی شاه
خانه طی رکرد با آن به
حاجب خانه حال او فهمید
بود اینی چگونه ساز دجواب
گفت از بهر آن خود بود
بود این قول امام اعظم صفا
گفت ابو حفص وقت محدث شاه
گرچه در آن فقها شتر
سالکی را که اندرین طلبست
گفت لا باس در نهایه امام
تحفه که آیت تمام برو
نیز محدث نیز ساندوت
لیک حرج نکاح اصبح خلاف
کتب فقه را چو مصحف گفت
انجنین در کتاب قاضیخان
گرچه باشد در روایت پاک
زانکه حفص خویش را بانفاس

بنود با این خلوت آورده
زینت خانه بر دران از آن
خانه تنهاست زینت جانیز نیز
بشنو این راکه شاه جاندار
او جدا گشت از حشم ناگاه
جانماز طلب بکرد دوا
گفت ای شاه چو اینا بود
گفت برخیز نخفتند خبر
منزل پادشاه پاینده
پادشاهان اگر چنین باشند
نگذشتم بشوق در آن
گفت ابو حفص با وضو
اینهمه احتیاط از ادبست
در کتاب خلاصه آورده
نوشته بود چو مصحف کو
اصح قول حضرت نعمان
بنوشتند بین به و لفافه
لیک برآستین گرفتن آن
نیز در ظاهر روایه آن
یعنی صدر الشریعه آنست درد
قول مذکور قطع شد با نان

قبل از غسل او دیت وطی حلال
سنت غسل تحریمه از آن
از ادب نیت وطی او چون
هست واجب بقول بعضی بل
انقطاعش بود کم از عادت
کن از آن مؤمنه بهر تقدیر
میکند اداء نماز آخر وقت
نه وقت کراهت آید باز
یعنی تا خر غسل او زین باب
هکلمن جمله مرا آموز
هم درین صورتیکه شد مذکور
باکیش بطلای مالک ره
احتیاطا که خوانده بود اول
در فتاوی خویش تعیین کرد
خوف فوت نماز کردارد
تا که آن وقت عادتش آید
باشد این حیض سیم از عدت
احتیاطات نیز استحسان
گر نکاحش کند بدیگر مرد
نکه نشسته است هم زردی ده
انجنین است صاحب استبرا

لیک با دب و اکثر است و بال
تو الحکام بزرگ پاک یقین
گرچه شد منقطع ز اکثر خون
کم ز ده روز منقطع شدم
گفت صدر الشریعه با شبهت
یعنی تا آخر محل نماز
تا نماند بکردن او وقت
در سر عادت انقطاع اکر
که بود باطریق استحباب
آخر وقت را کند صراد
عود ساز داگر دم مشهور
انجنین در خلوه مسعود
زینت و حق ثواب شد بل
خوان حیض نفاس باشبهت
غسل ساز و نماز بگذارد
گرچه از زوج میکند پرهیز
شود اصح قاطع رجعت
احتیاط دگر تو نیز فکر
جایزست آنکه حیض عود نکرد
هست جایز نکاح تا نشود
در نخ فیه اجتناب نما

مگر آنکه گذشته باشد آن
گر دو در شرح مختصر تعیین
وطی تا خفتن ز غسل اول
بود سه روز اکثر از وی هم
واجبست آنکه غسل را تاخیر
خوف فوتست غسل سازد باز
آخر وقت مستحب نماز
شده باشد و یا زیاده بتر
گر شود منقطع کم از ده روز
خوف فوتست اداکند چو بود
یعنی اندر میان روز نفی
یعنی در انتقام فرموده
زینت صاحب خلاصه آنکه مرد
منقطع گشت کم از عادت
اجتناب از جماع بنماید
روزه میدارد احتیاطا نیز
قطع حجت نوشته اند از آن
نکند جفت هم شوی دگر
عود اگر ساخت حیض او انگه
هر کجا طاراحتیاط بجوی
بود ازین انتقال شود وی

Copyright © King Saud University